اعوذ بالله من الشيطن الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

جادوی شیاطین (قسمت شصت و یک)

جمع اضداد!

شاید شما هم عبارت "جمع اضداد" را شنیده یا خوانده باشید که میان صوفیان و فلاسفه مطرح است. ابتدا باید بدانیم که در سیستم رحمانی، جمع اضداد امکان پذیر نیست. این یک واقعیت است که در این جهان اضداد وجود دارند ولی مطابق با سیستم رحمانی نیستند و سیستم شیطانی آن را بوجود آورده است. بعضی ها فکر میکنند که شب ضد روز است و یا سفید ضد سیاه است. ولی اینها ضد هم نیستند. بلکه اینها زوجند. خدای حکیم در قرآن از عبارت جمع اضداد استفاده نفرموده است ولی عبارت زوجیت را بکار برده است. یکی از بزرگترین نشانه های خدا ، زوجیت است. خدا در جهان ما ، همه چیز را زوج آفریده است. شاید کسی از خود سوال کند چرا خدا همه چیز را به صورت زوج آفریده است. هدف اصلی زوج آفریده شدن در جهان مادی، عبرت گرفتن و متذکر شدن انسانهاست. یعنی خدا

بوسیله آفریدن ازواج و متممها و مکملها در این جهان، ما را به نشانه هایش راهنمایی میکند و اندیشه انسان را به تلاش و کنکاش وا میدارد (وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)**. ما در این جهان سن محدود و مهمتر از همه توانایی های محدودی داریم. بنابراین برای شناسایی جهان و همچنین شناسایی خودمان، بوسیله ازواج راحت تر میتوانیم تحقیق کنیم و به نتیجه برسیم.**

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۴۹﴾
و از هر چیزی دو گونه آفریدیم امید که شما عبرت گیرید (۴۹)

اما شیطان زوجیت را منحرف میکند و آن را به ضدیت تبدیل میکند. متاسفانه جمع اضداد در دل زندگی مردم رخنه کرده است و زندگی آنان را به هم ریخته است. مثلا خیلی از مردم به جمله "با کسی رفیق شو که از خودت ثروتمندتر باشد" **عقیده مندند. ولی این عبارت یک جمله شیطانی است که دو واقعیت متضاد در آن جمع شده است. این جمله شیطانی، به افراد پیشنهادی را میدهد که فرد مقابل را در نظر نمی گیرد. زیرا فرد این توصیه را فقط میتواند برای خودش بکار برد و نه رفیقش. جمع اضداد در سیستم رحمانی امکان پذیر نیست ولی سیستم شیطان بر این مبنا استوار است. مثلا یکی دیگر از توصیه های شیطان این است که اگر تصادف کردید و ضرری به طرف مقابل زدید ، در حد امکان فرار کنید و فرد مقابل را مقصر نشان دهید؛ اما اگر شما متضرر بودید، نگذارید فرد فرار کند. این نوع فلسفه زندگی یک نوع جمع اضداد است و سیستم شیطانی کلا براساس جمع اضداد استوار است. اگر**

فلسفه زندگی براساس جمع اضداد پایه گذاری شده باشد، یک نوع شیطان پرستی است. شیطان پرستی فقط مربوط به فرقه های فراماسونی مثل فرقه آنتوان لوی نیست، بلکه هر کس اینجور تفکرات مبتنی بر جمع اضداد را رویه زندگی خویش قرار دهد، به نوعی شیطان پرست است. آنتوان لاوی موسس کلیسای شیطان می گوید که : شیطان می‌گوید انتقام و خونخواهی کردن بجای برگرداندن صورت. اما آنتوان همین قانون را در مورد طرف مقابل نمی پذیرد. در اینجا قصد نداریم که فرقه آنتوان لاوی را با جمله و یا عبارت "شیطان پرست و یا شیطان گرا" معرفی کنیم و صورت مساله را پاک کنیم. شیطان پرستی بر اساس جمع اضداد طراحی شده است. خیلی از تفکرات انتون لاوی (یا لوی) در میان عامه مردم هم وجود دارد. فقط با این فرق که او صراحتا افکارش را میگوید ولی بقیه در لفافه مذهب و قومیت این افکار را اعلام می دارند. خیلی از صوفیان و شعراء ، جمع اضداد را ترویج میکنند و عقاید خویش را بر این اساس بنا نهاده اند. حتی میگویند که صوفی جمع اضداد است. آنان پا را فراتر از این حرفها گذاشته و خدا را جمع اضداد معرفی میکنند! دلیلشان هم این است که بعضی صفات خدا را ضد هم میدانند مثل اول و آخر و یا ظاهر و باطن. در حالیکه این صفات ضد هم نیستند، بلکه این علم ماست که این صفات را درک نمی کند و خیال میکند ضد همند. خدا منزه و مبری است از اینکه جمع اضداد باشد. بلکه شیطان اضداد را پیش می آورد و سیستم رحمانی منطبق با جمع اضداد نیست. هدف مهم شیطان هم از طراحی جمع اضداد این است که زندگی در سیستم رحمانی را غیر ممکن کند و نسبت به خدا گمان بد ایجاد کند. در این

جهان شیطان روشی را بکار می گیرد که ضد رحمانی باشد. هر روش ضد رحمانی برای انسان بیراهه و دردسرساز است. نفسهای ما (و نه جسمهای ما) قبلا به ربوبیت خدا شهادت داده اند. حواس و جسم ما چیزی از آن حادثه به یاد ندارد ولی ما باید با بصیرت خویش ، نفس خویش را دوباره به گفتن بَلَى **به ربوبیت خدا قانع کنیم** (أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى). **خدا بوسیله سیستم رحمانی که طراحی نموده است، میخواهد تمام جهانیان را تربیت کند تا شایستگی برگشت به بهشت را دوباره بدست آورند. جمع اضداد دستیابی به این هدف را به خطر می اندازد.**

متاسفانه جمع اضداد در تار و پود جامعه ریشه دوانده است شاید شنیده و یا دیده باشید که بعضی خانواده ها برای پسرشان، عروسی کم خرج و ساده می خواهند ولی برای دخترشان عروسی مجلل می خواهند. این رفتار و کنش، جمع اضداد است که منطبق با سیستم رحمانی نیست و بلکه منطبق با سیستم شیطانی است. چیزهایی که شیطان پیشنهاد میدهد، با توصیه های رحمانی متضاد است و هیچوقت هم جمع نخواهند شد.

کسانی که در این دنیای فانی عزم جدی برای برگشت به طرف خدا از خود نشان نمی دهند، تفکراتی را بر می گزینند که برایشان جمع اضداد را توجیه کند. جمع اضداد یعنی هم خدا را می خواهد، هم خرما را. خیلی از افراد که مشروبات الکلی مینوشند، تا حدی دین را قبول دارند که بتوان مصرف مشروب الکلی را با دین جمع کرد و این یعنی نوعی جمع اضداد. شعر مهمترین توجیه است برای جمع اضداد. به همین خاطر شعرا همیشه میگویند که هم این و هم آن و یا نه این و نه آن! کتاب

شعری به اسم دیوان شمس پر است از جمع اضداد. اشعار مهمترین دشمن پیام خدا هستند.

ضرب المثل های غلط در میان مردم جا افتاده که همگی حامل پیام جمع اضدادند. مثلا اگر چیزی بدون محافظ گذاشته شود؛ میگویند "همینجوری به امان خدا رها شده". **در حالیکه امان خدا از هر امانی بالاتره. مگر از امان خدا بالاتر هم داریم. تمام امنیتها و پناهگاهها پیش خداست. متاسفانه شیطان حتی در ضرب المثل ها هم دخالت کرده و جملات فراوانی با مضمون جمع اضداد علیه خدای عالمیان منتشر کرده است.**

یا اینکه میگویند: موسی به دین خود و عیسی به دین خود. **در حالیکه تمام پیامبران از جمله موسی و عیسی، همگی یک دین داشته اند و همگی مسلمان بوده اند و هیچکدام ادعای تاسیس دین جدید نداشته اند. این ضرب المثل خودش چندین ضدّ را با هم جمع کرده است.**

یا ضرب المثل دیگر میگوید : خدا بد نده! **در حالیکه خدا همیشه خیر را برای مردم میخواهد و اگر بدی ای به مردم میرسد بخاطر کارها و اعمال خود مردم است.**

مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٧٩﴾

هر چه از خوبیها به تو می رسد از جانب خداست و آنچه از بدی به تو می رسد از خود توست و تو را به پیامبری برای مردم فرستادیم و گواه بودن خدا بس است (٧٩)

یکی از نشانه های بلوغ نفس افراد این است که بوجود آمدن شر را از طرف شیطان بدانند. اگر یک روزی با اتومبیلت تصادف کردید و طرف مقابل شروع به دشنام گویی و جنگ کرد، بدانید که پای شیطان درمیان است تا جنگ راه بیندازد.

موسی در دورانی از زندگیش بخاطر تعصب طایفه ای، با یک قبطی درگیر شد و ناخواسته قتل انجام گرفت؛ اما او فورا متوجه قضیه شد و عامل اصلی شر و قتل را به شیطان نسبت داد.

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ **هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ** إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ ﴿۱۵﴾

و داخل شهر شد بی‌آنکه مردمش متوجه باشند پس دو مرد را با هم در زد و خورد یافت یکی از پیروان او و دیگری از دشمنانش [بود] آن کس که از پیروانش بود بر ضد کسی که دشمن وی بود از او یاری خواست پس موسی مشتی بدو زد و او را کشت گفت این کار شیطان است چرا که او دشمنی گمراه کننده [و] آشکار است (۱۵)

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۱۶﴾

گفت پروردگارا من بر خویشتن ستم کردم مرا ببخش پس خدا از او درگذشت که وی آمرزنده مهربان است (۱۶)

ایوب ، بیمار میشود و در نهایت، اعتراف میکند که بیماری او از طرف شیطان است.

وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿۴۱﴾

و بنده ما ایوب را به یاد آور آنگاه که پروردگارش را ندا داد که شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد (۴۱)

زندگی موسی و ایوب بعد از این اعترافاتشان، زمین تا آسمان فرق کرد و هر دو به مدارج عالی رسیدند. آنان فهمیدند که شیطان در تمام حوادث شرّ دخیل است. آنان دشمن اصلی خویش را شناخته بودند و این بزرگترین پیروزی هر انسانی است. وقتی آدمیان بزرگترین دشمن خویش را بشناسند، دیگر دیر عصبانی میشوند و در جنگ و جدالهای بیخودی نمی افتند و زندگی امنتری را طی میکنند. خدا می فرماید که :

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿۶۳﴾ و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند (۶۳)

بندگان خدای رحمان عامل اصلی شرّ را میشناسند و به همین علت آنان به ملایمت پاسخ میدهند و به نرمی و لطافت رفتار میکنند ، زیرا میدانند که خدا عامل اصلی تمام خوبی هاست و شیطان عامل اصلی شرّ است.

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿۶﴾

در حقیقت شیطان دشمن شماست شما [نیز] او را دشمن گیرید [او] فقط دار و دسته خود را می خواند تا آنها از یاران آتش باشند (۶)

شرک بزرگترین جمع اضداد است. در قرآن ذکر شده است که مشرکین ، شرکشان را به خدا نسبت میدادند و میگفتند که خدا در سیستم رحمانی خودش دستور به آن داده است. اما خدا در ادامه می فرماید که آنان نسبت به این موضوع دانشی ندارند و فقط حدس میزنند و دروغ میگویند. بکار بردن جمع اضداد در مورد سیستم رحمانی به علت بی دانشی است و یک نوع دروغ است.

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿۲۰﴾

و می گویند اگر [خدای] رحمان می خواست آنها را نمی پرستیدیم آنان به این [دعوی] دانشی ندارند [و] جز حدس نمی زنند (۲۰)

خدای حکیم خالق ماست و آن باریتعالی بهتر از هر کسی میداند که صلاح بشریت در چیست و او هیچوقت به جمع اضداد دعوت نمی کند. تنها راه نجات بشریت ، دوری از جمع اضداد است. جمع ضدها همان سیستم شرّ شیطان است.

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۱۶﴾

بر شما کارزار واجب شده است در حالی که برای شما ناگوار است و بسا چیزی را خوش نمی دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است و خدا می داند و شما نمیدانید (۲۱۶)

بعضی شعراء تفکرات نادرستی در مورد جمع اضداد دارند. در حالیکه در سیستم رحمانی اصلا جمع اضداد وجود ندارد. نوشته اند که : ابوسعید خراز گفته بود که او خدا را از راه جمع او میان دو ضد، شناخته است، زیرا خود ابوسعید جمع آن دو را در خودش یافته و دیده بود. او می‌دانست که به صورت خدا آفریده شده است و گفته خدا را شنیده بود که او اول و آخر و ظاهر و باطن است، و این آیه را شاهد گفته خود آورده بود.

خدای رحمان منزه است از این تفکرات شیطانی و گفته های بی سر و ته. جمع اضداد در مورد خدا امکان پذیر نیست. سیستم شیطانی و سیستم رحمانی قابل جمع

نیستند و پدیده های این دو سیستم با هم هیچ آشتی ای ندارند و تا ابد هم هیچ آشتی ای نخواهند داشت. شیطان این خواب (جمع اضداد) را به جهنم خواهد برد.

پیامبر ابراهیم خیلی خوب متوجه شده بود که سیستم شیطانی بر خلاف سیستم رحمانی است و جمع اضداد فقط زمانی امکان پذیر است که مردم شیطان را بپذیرند. به همین خاطر ، ابراهیم با هوشمندی کامل خطاب به پدرش، جمع اضداد را رد کرد و آن را مخلّ امنیت دانست.

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا
پدر جان شیطان را مپرست که شیطان خدای رحمان را عصیانگر است

شیطان دشمن بنی آدم است زیرا با جلوه دادن عادی جمع اضداد، فرهنگ خودش را منتشر میکند.

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ
ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست

جبهه خیر و جبهه شر با هم قابل جمع نیستند. نمیتوان هم به کتاب خدا ایمان داشت و هم از طاغوت برای داوری استفاده کرد.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿۶۰﴾

آیا ندیده ای کسانی را که می پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان آورده اند [با این همه] می خواهند داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند با آنکه قطعا فرمان یافته اند که بدان کفر ورزند و[لی] شیطان می خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد (۶۰)

خدا میخواهد مردم به سمت خیر بروند ولی شیطان میخواهد به سمت شر. این دو خواسته ضد همند. بزرگترین جمع اضداد، جمع بت پرستی و توحید (شرک) در کنار هم است. شریک قائل شدن برای خدا بزرگترین مثال جمع اضداد است. فرد مشرک در عین حال که میگوید خدا یکی است ولی غیر خدا را هم به عنوان الهه می گیرد. لا اله الا الله به طور جامع هر گونه جمع اضدادی را باطل اعلام میکند. لا اله الا الله یعنی خدایی در کنار الله نیست (و نباید باشد)

انسان بخاطر عجول بودن و جهالت، همانطور که خیر را میخواهد ؛ با همان روش هم شر را میخواهد. این همان جمع اضداد است.

وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ﴿۱۱﴾

و انسان [همان گونه که] خیر را فرا می خواند [پیشامد] بد را می خواند و انسان همواره شتابزده است (۱۱)

شکر یعنی استفاده درست و صحیح از سیستم و نعمات رحمانی و کفر یعنی استفاده ناصحیح از آن. شکر و کفر با همدیگر همزمان نوعی جمع اضداد است.

شیطان با مطرح نمودن اضداد، سعی در به شک انداختن افراد نسبت به خالقشان دارد. مثلا بعضی ها می گویند که چطور خدا هم هدایت میکند و هم گمراه میکند.

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ ﴿٢٧﴾

و کسانی که کافر شده اند می گویند چرا از جانب پروردگارش معجزه ای بر او نازل نشده است بگو در حقیقت خداست که هر کس را بخواهد بی راه می گذارد و هر کس را که [به سوی او] بازگردد به سوی خود راه می نماید (۲۷)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

و اگر خدا می خواست قطعا شما را امتی واحد قرار می داد ولی هر که را بخواهد بیراه و هر که را بخواهد هدایت می کند و از آنچه انجام می دادید حتما سؤال خواهید شد (۹۳)

اراده خدا جامع و کامل است و هیچوقت اشتباه نمی کند. بنابراین کسی را هدایت کند و یا کسی را گمراه کند ؛ هر دو به آنچه استحقاقش را داشته اند رسیده اند. اگر خدای رحمان و رحیم کسی را هدایت نکند، یعنی آن فرد گمراهی میخواهد. این دو موضوع جمع اضداد نیست. بلکه اراده و درک و فهم ما در این جهان مادی

نمیتواند بدرستی این موضوع را از هم تشخیص دهد. اما در روز قیامت تشخیص آن ساده خواهد بود زیرا بصیرت و درک افراد در آن روز خیلی دقیقتر است و میدانند که خدا هیچوقت اشتباه نمی کند و بیخود بیگناهان را گمراه نمی کند.

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿۴۲﴾

و خدا را از آنچه ستمکاران می کنند غافل مپندار جز این نیست که [کیفر] آنان را برای روزی به تاخیر می اندازد که بصیرتها و بینشها قوی می شود (۴۲)

خیلی از شعراء و صوفیان و فیلسوفان از آن جا که جمع اضداد کردند، حیران و سرگردان شدند. نتیجه بلافصل جمع اضداد، حیرت و سرگردانی است. شیطان برای حل این حیرت و سرگردانی، افراد را به مستی و جادو دعوت میکند. خیلی از افراد بخاطر خلاص شدن از این حیرت، وارد مراحل یوگا و مدیتیشن میشوند و سعی دارند که مسائل را در آن جا به فراموشی بسپارند و عقل و تفکر و خرد خویش را تعطیل کنند.

جمع اضداد مهمترین نکته ای است که بشر در مورد آن به اشتباه رفته است و بطور طبیعی آن را انجام میدهد. مثلا می گویند که : در نا امیدی بسی امید است. **در حالیکه خدا هیچوقت نا امیدی را توصیه نمی فرماید. بلکه جمله صحیح این ضرب المثل در آیه قرآن ذکر شده است.**

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾
آری با هر دشواری آسانی ای است (۶)

یعنی هر دشواری ای و سختی ای ، آسان خواهد شد و این دقیقا برخلاف آن چیزی است که ضرب المثل در نا امیدی بسی امید است **می گوید. زیرا خود خدا دستور می فرماید که هیچوقت از خدا نا امید نشوید و فقط گمراهان اند که از رحمت خدا ناامید میشوند.**

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٥٦﴾
گفت چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگارش نومید می شود (۵۶)

بشر جمع اضداد را به این دلیل مطرح میکند که دلایل پشت پرده وقایع و عالم غیب را باور ندارد.

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾
و شما آنان را نکشتید بلکه خدا آنان را کشت و چون [افکندی تو نیفکندی بلکه خدا افکند و بدین وسیله مؤمنان را به آزمایشی نیکو بیازماید قطعا خدا شنوای داناست (۱۷)

در این آیه، بعضی ها فکر میکنند که جمع اضداد انجام شده است (وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى**). اما این دید و علم ناقص ماست که فکر میکند این آیه جمع اضداد است. پیامبر محمد تیر می اندازد، ولی خدا هم تیر می اندازد و این خداست که آنان را با تیر زد و نه پیامبر محمد. خدا میخواهد به ما بگوید که او پیامبر را بطور غیبی کمک میکرد و تیرهای پیامبر با کمک خدا به هدف میخورد و اگر خدا نبود، هیچوقت به هدف نمیخورد. وقتی خدا با گروهی باشد، صدها نفر ، هزاران نفر را شکست میدهند. انسان ساز و کار پشت پرده و غیبی قضایا را درک نمی کند و به همین خاطر میگوید که اینها جمع اضداد است.**

نظریه شیطانی وحدت وجود ، یک نوع جمع اضداد است. روش شیطان با روش خدا قابل جمع نیست. صوفی ها صلح کل را مطرح میکنند که طبق آن هیچ ایده ای غلط نیست و همه ایده ها قابل جمع هستند. طبق نظریه صلح کل صوفیان، همه فرقه ها و احزاب یکسانند و فرقی بین مسجد و میخانه نیست. این نوع افکار شیطانی میخواهند به نظریه جمع اضداد یک کلیت ببخشد و آن را رسمیت دهند.

اگر کسی کتاب شیطان گرائی (انجیل شیطان) نوشته انتون لاوی را مطالعه کند، متوجه خواهد شد که او در قوانین خود، جمع اضداد کرده است. آنتوان لاوی در تفکراتش لذات را فقط برای خود میخواهد، حتی به قیمت نابودی دیگران. گروههای فراماسونری هم اینچنین فکر میکنند و هر چیزی را برای خود میخواهند. آنان آدمهای نیکوکار و بخشنده ای نیستند ، اما در میان خویش، همدیگر را برادر صدا میزنند. ایده های این گروهها پر است از جمع اضداد.

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿۶﴾
در حقیقت شیطان دشمن شماست شما [نیز] او را دشمن گیرید [او] فقط دار و دسته خود را می خواند تا آنها از یاران آتش باشند (۶)

در جمع اضداد دیگر بشریت خواهان صبر برای حل مشکلاتش نیست. بلکه به خیال خویش از راه جمع اضداد حلش میکند. مثلا کسی که رشوه می پردازد، به نوعی راه حل فوری و اورژانسی را انتخاب میکند و این در حالی است که خودش رشوه را قبول ندارد ولی میگوید همین یکبار تا کارم راه بیفتد و این یک نوع جمع اضداد است. برادران یوسف ، وقتی یوسف را درون چاه انداختند، گفتند که همین یکبار خلاف میکنیم و بعد از آن آدمهای صالحی میشویم.

اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿۹﴾
[یکی گفت] یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی بیندازید تا توجه پدرتان معطوف شما گردد و پس از او مردمی شایسته باشید (۹)

این طرز تفکر همان جمع اضداد است. تمام گناهان برای اولین بار به همین دلیل انجام می پذیرند. اما زمانی که آدمیان شر را در کنار خیر پذیرفتند و جمع اضداد کردند؛ دیگر بیرون رفتن از این حالت خیلی سخت خواهد شد. شیطان جمع اضداد

در کردار، گفته ها و پندارها را رواج میدهد تا که مخالفت با آنچه که خدا منع کرده است را ترویج کند. از نظر خدا در قرآن نجات جان یک انسان مثل نجات جان کل انسانهاست. در قرآن هر قصاصی، باید با قصاص همسان و همتراز خودش در نظر گرفته شود. اما در میان مردم گاهی بخاطر مقداری پول ناچیز، جنگ در میگیرد و فرد مرتکب قتل میشود. قاتل کشتن فرد مقتول را حق خود میداند. این همان تفکر شیطانی است. افرادی که صفات شیطانی مثل بخل، طمع، غیبت، دزدی، زنا، ریا ، ربا، افترا ، رشوه را انتخاب می کنند، به نوعی اینها را حق مسلم خود می دانند و حتی گاهی برای دفاع از خود به این صفات شیطانی پناه می برند. آنها برای رفع نیازهای خود و نیرو گرفتن به این صفات شیطانی رو می آورند. افراد در حالت عصبانیت این صفات شیطانی را با صفات خوب دیگری که دارند، جمع میکنند (جمع اضداد) و به این طریق دچار قتل میشوند. گاهی بعضی دولتها ، در مقابل انتقادهای سیاسی بزرگترین قصاصها و حتی قتل را در مورد منتقدین در نظر می گیرند. این جور سیاست همان جمع اضداد است. استالین بخاطر انتقادها و حرکات کوچک، بسیاری را قربانی کرد.

حتی کمک کردن به دیگران معنای واقعی خودش را از دست داده است. بعضی افراد در کمک به دیگران با هدف تسلط بر او ، نفوذ به او و یا تجاوز و یا بده بستان انجام می دهند و احسان و نیکوکاری و قرض الحسنه در قاموس آنان بی معنی است. اما در سیستم خدا اینجوری نیست و جمع اضداد امکان پذیر نیست.

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۶۱﴾

مَثَل (صدقات) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای صد دانه باشد؛ و خدا برای هر کس که بخواهد (آن را) چند برابر می کند، و خدا گشایشگر داناست. (۲۶۱)

نویسنده انجیل شیطان (آنتوان لاوی) با دیدن عکس و تصاویر تصادفات ، منکر خدا شد و گفت چرا خدا این همه خونریز است! او درگیر جمع اضداد شد و نتیجه گرفت که خدا خونریز است.

یک دعا نویس که خودش هزار مشکل دارد، مردم پیشش میروند که مشکلاتشان را حل کند؛ اگر دعا نویس کاری از دستش بر می آمد، مشکلات خودش را حل میکرد و این خودش "جمع اضداد" است. خیلی از مردم متاسفانه این "جمع اضداد" **را در وجود دعانویس نمی بینند.**

یا اینکه کسانی که تورات را حمل میکنند ولی حمل نمی کنند. این خودش نوع جمع اضداد است که در سیستم شیطانی فقط میسر است.

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۵﴾

مثل کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آنگاه آن را به کار نبستند همچون مثل خری است که کتابهایی را برپشت می کشد [وه] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند و خدا مردم ستمگر را راه نمی نماید (۵)

یا اینکه کسانی هستند که ادعا میکنند وارد بهشت میشوند ولی هیچوقت آرزوی مرگ نمی کنند. اینم خودش نوعی جمع اضداد است. در سیستم رحمانی جمع اضداد امکان پذیر نیست و دقیقا جهنم به این خاطر خلق شده است تا این اضداد را پذیرا باشد.

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦﴾

بگو ای کسانی که یهودی شده اید اگر پندارید که شما دوستان خدایید نه مردم دیگر پس اگر راست می گویید درخواست مرگ کنید (۶)

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٧﴾

و[لی] هرگز آن را به سبب آنچه از پیش به دست خویش کرده اند آرزو نخواهند کرد و خدا به [حال] ستمگران داناست (۷)

وقتی آدمیان نتوانند، بعضی پارادکسها را حل کنند، به سمت جمع اضداد میروند. جمع اضداد ایمان را از آدمیان می گیرد. خیلی از شعرا و صوفیان که دنبال مطرح نمودن جمع اضداد در عالم بودند، ایمان خود را از دست دادند و شروع کردن به

گسترش حسن ظن نسبت به شیطان. شعرا راجع به آشتی اضداد صحبت میکنند. در حالی که جمع اضداد همان سیستم شر اهریمن است.

زندگانی آشتی ضدهاست مرگ آنک اندر میانش جنگ خاست

حتی شعراء گاهی غوره و انگور را ضد هم معرفی میکنند که نشان از آن دارد که هنوز بطور واقعی نفهیمده اند که ضد چیست. بیراهه رفتن در این مفاهیم و عدم توجه به قرآن ؛ شعرا و صوفیان را در حیرت و سردرگمی فرو برده است.
ترس از مار ضد شجاعت نیست. زیرا بعضی مواقع ترس از مار محتاطانه است. بنابراین معرفی کردن خیلی از اضداد واقعیت ندارد و فقط یک حرف شاعرانه است.

غور و انگور، ضدان اند، لیک چون که غوره پخته شد، شد یار نیک

مولوی معتقد است که زیر بنای خلقت بر اضداد بنا شده است و این همان حرف شیطان است که میخواهد سیستم رحمانی را در تربیت افراد خنثی و بی اثر کند.

پس بناي خلق از اضداد بود
لا جرم ما جنگییم از ضر و سود
هست احوالم خلاف همدگر
هر یكي با هم مخالف در اثر

و هم چنین معتقد است که زندگی، ترکیب و جمع همین اضداد است.

زندگاني آشتي ضدهاست
مرگ آن کاندر میانشان جنگ هاست

کتابهای شعر، همان کتابهای شیطان هستند که به معنای واقعی جمع اضداد را تبلیغ میکنند و به همین خاطر شعرا همیشه حیران و سرگردانند و از شعر گفتن هیچوقت سیر نمیشوند. شیطان کتابی به نام خودش ندارد، او عقایدش را با نام دیگران منتشر میکند و جوری جمع اضداد میکند که کسی پی نبرد.

صفات شیطانی باعث بوجود آمدن جمع اضداد در افراد میشود. مثلا یک فرد حسود، چیزی را برای خود میخواهد و برای دیگری نمیخواهد و این خودش نوعی جمع اضداد است. تمام مشکلات بشریت ناشی از تجمع اضداد در روان خویش است. مجذوب شدن به ظواهر دنیایی و ماده پرستی به خاطر جمع اضدادی است که مردم در فلسفه زندگی خویش اجرا میکنند. چشم و هم چشمی نوعی جمع اضداد است. چشم و هم چشمی نوعی حسادت است که مردم دیدن چیزی که ندارند را برای دیگران روا نمی دارند و برای ارضای این حس شیطانی، شروع به تقلید میکنند. آنان همیشه کمبودهای خویش را با ثروتمندان می سنجند و نه با فقرا و این خودش نوعی جمع اضداد است.

متاسفانه بعضی شاخه های روانشناسی ؛ به شدت مشغول ترویج جمع اضداد هستند. چند مثال:

- عشق یعنی چیزی که نداری را به کسی دهی که آن را نمی خواهد.
- فقط با افراد موفق تر از خودت مراوده کن

خدای مهربان مبرّی از جمع اضداد است. متاسفانه خیلی از احادیث و روایات برای خدا ، جمع اضداد مطرح میکنند و خدا را صاحب جمع اضداد معرفی میکنند و این برخلاف یگانه پرستی و توحید است. خدا مبری از هر گونه اضداد است و اینکه امور و مشیت خدا بوسیله انسانها قابل درک نیست؛ بخاطر عدم ایمان به لایه غیبی است. شما نمیتوانید یک اختلاف در قرآن پیدا کنید. اما احادیث و روایات پر هستند از اختلاف و ضدّ. همین آیه اهمیت پیروی از وحی الهی را میرساند. بدون وحی، گیر اضداد می افتید.

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾
آیا در [معانی] قرآن نمی اندیشند اگر از جانب غیر خدا بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می یافتند (۸۲)

جمع دو ضد، شرّ تولید میکند. این همان نکته مهمی است که کسی توجه نمی کند. خدا شر را نمی خواهد. خدا هر آنچه آفریده است خیر است. اما شرّ نتیجه جمع اضداد است. شیطان با ترکیب دو ضد، شرّ درست میکند. انگار ترکیب اضداد، شیاطین را تغذیه معنوی میکند و آنان را قوی تر میکند. به همین خاطر جمع اضداد،

ظلم است به خود و همچنین ظلم است به افراد دیگر و سیستم رحمانی. جمع اضداد همان عبادت شیطان است. خدا می فرماید که (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى) **در حالت سکارا و مستی و توهمات نزدیک نماز نشوید. این به آن علت است که نماز در مستی، جمع اضداد است. نماز در این حالت جمع اضداد است زیرا فرد هم خدا را می خواهد و هم توهمات و مستی را. اما خدا این ترکیب را ممنوع کرده است. خدا نماز خالصانه می خواهد و گرنه بیفایده و حتی مضر است. بیفایده است زیرا این نوع نماز، نماز نیست؛ و مضر است زیرا جمع اضداد است. کسی که جمع اضداد کند، به سیستم رحمانی ظلم کرده است.**

هیتلر می گفت: ترحم و مظلوم نمایی و گریه کردن و صدقه دادن نیز کار بدی است. هیتلر عدم ترحم و عدم صدقه را در ذهن خویش با ایدئولوژیش گره زده بود و او با جمع اضداد ، خودش را به مرحله ای رساند که میلیونها انسان را کشت. بعضی از مردم قدرت و عدالت خدا را نادیده می گیرند. خدای مهربان همه چیز را در این جهان به مقدار و اندازه خلق کرده است. این خود انسانها هستند که میزان و مقدار آن را به هم میریزند و جمع اضداد میکنند. شاید تعجب کنید که صدای مورچه حتی از صدای موتور هواپیما هم بلندتر است. اما چون خیلی بالاتر از آستانه شنوایی انسان است، شنیده نمیشود و اذیتی برای ما ندارد. در هر خانه ای حداقل ده ها هزار مورچه زندگی می کنند و مدام رفت و آمد می کنند. تصور کنید که صداهای این مورچه ها بوسیله گوش ما قابل شنیدن بود!؛ آیا زندگی ممکن بود؟

اما خدای مهربان همه چیز را به اندازه و مقدار خلق کرده است. اما اگر کسی پیدا شود و یک دستگاهی اختراع کند که این صداها را قابل شنیدن کند و در همه جا نصب کند، آیا میتوان بین این همه مورچه و سر و صدا زندگی کرد؟! قطعا خیر. اگر چنین فردی پیدا شود و این دستگاه را برای مزاحمت ایجاد کند، قطعا به پیاده سازی سیستم شرّ کمک نموده است.

خدای حکیم حشرات را کوچک آفریده است ولی تصور کنید که مورچه و یا پشه بیست برابر بزرگتر از سایزی بودند که حالا هستند؛ قطعا کسی امنیت نداشت و نمیتوانست روی زمین زندگی کند. اما زمانی در آینده ممکن است که بعضی انسانها در این حشرات دستکاری ژنتیکی کنند و بخواهند از آن به عنوان آسیب رساندن به دیگران استفاده کنند. این حالت طبق سیستم شیطانی است. زیرا شیطان میخواهد طرح خدا در سیستم رحمانی را با شکست مواجه کند. بنابراین در زمین، مورچه همان اندازه و سایز که خدا خلق فرموده است؛ قابل پذیرش است و غیر از آن قابل قبول نیست. به همین خاطر خدا در سوره الرحمن میفرماید که میزانها و اندازه ها را به هم نزنید.

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿٨﴾

تا مبادا از اندازه درگذرید (٨)

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿٩﴾
و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید (۹)

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ﴿١٠﴾
و زمین را برای مردم نهاد (۱۰)

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ **یعنی به اندازه بارندگی، آب مصرف کنید و اسراف نکنید و به اندازه گلیم خویش پا را دراز کنید. منابع طبیعی زمین را به پول تبدیل نکنید و آلوده نکنید. حیوانات و حشراتی که متوازن کننده و متعادل کننده طبیعت هستند، را از بین نبرید.**

جمع اضداد به خانواده ها هم رسیده است. خدای مهربان، ازواج را زوج همدیگر آفریده است ولی ممکن است که زوج با نصیحت شیطان ، راه دگری بپیمایند و به رقیب و ضدّ هم تبدیل شوند. خدا زن را آفریده است که زن باشد و مرد ، مرد باشد و بجز این حالت، جمع اضداد پیش میاید. اهریمن هم همین را میخواهد. خدا زوجیت را آفریده است. سیستم رحمانی پر است از این نوع زوجیتها.

خدا تمام آب اقیانوسها و دریاها را شور آفریده است و مقدار بسیار کمی از آب موجود در زمین را از طریق باران در دریاچه ها و کوهها و رودخانه ها شیرین کرده است. خدا آن را به قسمت و اندازه و برحسب نیاز شیرین می کند. زیرا اگر تمام آب اقیانوسها از همان اول شیرین میشد و بمدت طولانی راکد بودند، آب می گندید

و قابل استفاده نبود. خدای قادر توانا هر چیزی را به اندازه آفریده است و در موقع مناسب نازل میکند. او نسبت به هیچ چیزی کوتاهی نکرده است. اگر عدم توازنی در طبیعت و زندگی هست، انسانها باعث و بانی آن هستند نه خدا. اگر انسانها باعث گرم شدن زمین شوند و باعث بالارفتن آب اقیانوسها و در نتیجه ورود آبهای شور به خشکی ها شوند و در نتیجه خشکیها غیر قابل زرع شوند؛ خود انسانها مقصرند. سیستم شر را خود انسانها با طراحی شیاطین و اهریمن ایجاد میکنند.

مرگ برای اغلب مردم یک معمای بزرگ است و حتی آنها مرگ و زندگی را جمع اضداد میدانند. البته نه برای شاگردان قرآن . ما از قرآن چنین فرا می گیریم که مرگ دقیقا مانند خواب است؛ همراه با رؤیا. درازای زمان مرگ تا رستاخیز مانند یک شب خوابیدن است. هر کس در لحظه ی مرگ می فهمد که چه سرنوشتی در انتظار اوست؛ بهشت یا دوزخ. برای کافران، مرگ واقعه ای است وحشتناک؛ هنگامی که فرشتگان جانشان را می گیرند، بر صورت ها یشان می زنند. قرآن، به دفعات، از دو مرگ سخن می گوید، نخستین مرگ هنگامی رخ داد که در مشاجره در عالم اعلا ، ما ایستادگی لازم را برای پاسداری از مقام قدوسی خدا از خود نشان ندادیم، و این مرگ تا لحظه تولد ما در این جهان طول می کشد. دومین مرگ، به زندگی ما در این دنیا خاتمه می دهد. دومین مرگ ما ضد زندگی نیست. اگر درست و صحیح زندگی کرده باشیم و نفس خویش را پیراسته باشیم، دقیقا مرگ نه تنها ضد زندگی نیست، بلکه ادامه یک زندگی واقعی است.

هدف از آفرینش، دوست داشتن و عبادت خداست و هرکاری برخلاف این جریان باشد، مایه دردسر و عذاب آدمیست و باعث انواع بیماریهای جسمی و روحی میشود. پاتریک گلاین میگوید که اعتماد دینی منطقی ترین و سازگارترین صحت دماغی و شادمانی است. آدمیان باید به حرف خدا اعتماد کنند و بیخودی برای خود جمع اضداد نسازند و زندگی خود را پر از تنش و استرس و حیرت و سرگردانی نکنند.

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿۲۸﴾
همان کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد (۲۸)

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿۵۶﴾
و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند (۵۶)

بعضی ها فکر میکنند انجام کارهای نیک و پرهیز از کارهای بد، فقط برای آخرت است. در حالیکه انجام کارهای نیک برای بدست آوردن یک زندگی پاک در همین دنیاست و در نهایت به درد آخرت هم میخورد. آیه قرآن خیلی زیبا می فرماید : هر کسی که کار شایسته ای انجام دهد ، (خواه) مرد باشد یا زن ، در حالی که مؤمن است ، او را به حیاتی پاک زنده می داریم ، و مسلماً پاداششان را به (حسب) بهترین اعمالی که انجام می دادند ؛ به آنها می دهیم .